



اطلاعات واردات بسیار تلخ است و این امر باید ما را نسبت به مسئولیت‌های خود حساس کند، چرا که واردات کالاهایی که امکان تولید آن در کشور وجود دارد، یک چالش بزرگ محسوب می‌شود و این مسئله که مشکل واردات از کجا نشأت می‌گیرد، باید بررسی و آسیب‌شناسی شود. دودانگه نظام توزیع کالا در کشور را قابل دفاع نمی‌داند و بالا بودن قیمت تمام‌شده در کشور را از چالش‌های پیش روی اقتصاد ایران معرفی می‌کند و در ارزیابی خود از چالش‌ها و تنش‌های پیرامون وزارت بازرگانی می‌گوید: چاره‌ای جز رقابتی کردن اقتصاد نداریم.

گفت‌وگوی بازار بین‌الملل را با معاون جدید وزیر بازرگانی و دست راست آقای وزیر بخوانید.

■ پرسش نخست این است که در چه شرایطی و چرا مسئله نهضت کاهش قیمت تمام‌شده مطرح شد؟ و چرا وزارت بازرگانی متکفل و پیشگام این نهضت شده است؟ چرا که وزارت بازرگانی نه تنها متکفل سیاست‌های کلان اقتصادی کشور نیست، بلکه اصلاً متکفل تولید هم نیست. پس چرا وزارت بازرگانی پیشگام نهضت قیمت تمام‌شده کالا و خدمات شده است؟

برای پاسخ به این پرسش بهتر است به سیاست‌هایی که در طول چهار، پنج سال گذشته از سوی وزارت بازرگانی مطرح شده، توجه کنیم. در زمان وزارت آقای میرکاظمی در وزارت بازرگانی دولت نهم، مدام بر مقوله بهره‌وری تأکید خاص می‌شد و از نظر وزارت بازرگانی این مسئله حائز اهمیت است. یک بررسی اجمالی از تحولات ۴۵ سال گذشته اقتصاد ایران نشان می‌دهد ما در شاخص ارتقای بهره‌وری، نه تنها رشد قابل توجهی در مقایسه با کشورهای دیگر نداشته‌ایم، بلکه یک روند نزولی را هم تجربه کرده‌ایم و این برای آینده اقتصادی کشور خیلی مناسب نیست، بویژه اینکه قرار است در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ما به قدرت اول منطقه از نظر اقتصادی برسیم و در بعضی از بازارها و بویژه کالاهای دارای مزیت، دست برتر داشته باشیم، اما این جایگاه بهره‌وری اصلاً مناسب نیست و به همین خاطر در سیاست‌های کلی برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور بر ضرورت ارتقای بهره‌وری به عنوان یکی از شاخص‌های رشد اقتصادی تأکید شده است. اما وقتی به ساختار اقتصاد ایران نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مسائل و مشکلاتی که درون بنگاه‌ها و بیرون آنها وجود دارد، باعث شده است قیمت تمام‌شده کالا و خدمات ایرانی بالا باشد و رقابت‌پذیر نباشد، چرا که رقابت‌پذیری کالا و خدمات یک مسئله حیاتی و متغیر مهم در بازارهای جهانی است و در اقتصاد و شرایط جدید حاکم بر بازارهای جهانی، اگر اقتصاد یک کشور رقابت‌پذیر نباشد، در درازمدت، نه تنها بازار داخلی خود را بناچار در اختیار کالاهای خارجی قرار خواهد داد، بلکه نمی‌تواند در بازارهای دیگر خارجی حضور فعالی داشته باشد و این مسئله علامت بزرگی در برابر اهداف کلان اقتصادی، از جمله رشد اقتصادی بالا، توسعه صادرات غیرنفتی، ایجاد اشتغال و متغیرهای دیگر مورد انتظار قرار می‌دهد. بنابراین می‌بینید که دغدغه رقابت‌پذیری و ارتقای بهره‌وری در وزارت بازرگانی دولت نهم، در دولت دهم هم در محور و فاز جدیدی پیگیری شد که تحت عنوان نهضت کاهش قیمت تمام‌شده کالا و خدمات مطرح شد.

■ وزارت بازرگانی در این هدف فقط دغدغه رقابت دارد، یا اینکه هدف‌های دیگری را هم دنبال می‌کند؟

اساساً وزارت بازرگانی معتقد است چاره‌ای جز

دفاع از ویتترین اقتصاد کشور در برابر چالش‌ها و تنش‌ها

چاره‌ای جز رقابت‌پذیر کردن تولید و اقتصاد نداریم

مسعود صفا

مأموریت‌های اصلی این وزار تخانه است و می‌گوید: تحقق برنامه‌های وزارت بازرگانی نیازمند یک عزم ملی در تمامی دستگاه‌های کشور است، چرا که مدیریت واردات و کاهش قیمت تمام‌شده به‌تنهایی توسط وزارت بازرگانی امکان‌پذیر نخواهد بود. او وزارت بازرگانی را ویتترین اقتصاد ایران توصیف می‌کند و در دفاع از این وزار تخانه در برابر انتقادات از واردات کالا به کشور تأکید می‌کند: داشتن حساسیت نسبت به این مسئله کفایت نمی‌کند و جلوگیری از واردات بی‌رویه به کشور نیازمند یک اقدام عملیاتی و اجرایی است که ابزار آن در اختیار بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف جامعه است و امروز اگر مجلس معتقد است باید جلوی واردات گرفته شود، بهتر است ملاحظاتی در این رابطه در برنامه پنجم دیده شود و قوانین مورد نیاز در این برنامه لحاظ شود.

به گفته معاون وزیر بازرگانی، شنیدن آمار و

در معرفی خودش در وبسایت شخصی‌اش تنها به این اندازه اکتفا می‌کند:

نام: محمود نام‌خانوادگی: دودانگه تولد: ۱۳۴۸ تحصیلات دانشگاهی:

لیسانس (B.Sc) مهندسی صنایع، گرایش برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها، دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۲

و فوق لیسانس (M.Sc) مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۵

این معرفی کوتاه، نشان از آن دارد که معاون جدید وزیر بازرگانی که همزمان مسئولیت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی را عهده‌دار است، دنبال ردیف کردن و طولانی کردن مسئولیت‌های دولتی‌اش نیست. مهندس محمود دودانگه، معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی دکتر مهدی غضنفری، وزیر بازرگانی است که اعتقاد دارد: شفاف‌سازی و اشاعه الگوی مناسب بازرگانی نوین، یکی از

رقابت پذیری تولید و اقتصاد نداریم و در دنیای امروز یا باید اقتصاد کشور رقابت پذیر باشد، یا بناچار در گردابی که دیگران ایجاد کرده‌اند، خواهیم افتاد و عملاً کشورهای دیگر گوی سبقت را از ما می‌ربایند و بناچار باید بازار داخلی و خارجی را ترک کنیم. در این فضا بود که موضوع نهضت کاهش قیمت تمام‌شده مطرح شد و هدف واقعی وزارت بازرگانی حمایت از تولید داخل است، البته اگر حمایت از تولید به صورت واقعی دنبال نشود، انتظارات غیرواقعی از بخش‌های مختلف اقتصادی شکل خواهد گرفت. پس یکی از انگیزه‌های اصلی، رقابت پذیر کردن بنگاه‌ها و دوم حمایت از تولید داخل در جهت توسعه صادرات غیرنفتی بود. از طرف دیگر با واقعیت‌های مختلف درونی و بیرونی هم مواجه بودیم و هستیم. ما یک تصمیم مهم ملی گرفته‌ایم؛ الحاق به سازمان جهانی تجارت. اگر نتوانیم سازوکار، تمهیدات و آمادگی‌های لازم را برای عضویت در سازمان جهانی تجارت پیدا کنیم، طبیعتاً نمی‌توانیم عضویت هدفمند، هوشمندانه، و تأثیرگذاری برای اقتصاد کشور به دست آوریم. پس حتماً باید روی قیمت و کیفیت به عنوان دو متغیر اصلی در اقتصاد و تجارت کار کنیم و برای الحاق به سازمان جهانی تجارت کاهش قیمت تمام‌شده کالاها و رقابت‌پذیری کالاها در بازارهای جهانی مهم است.

■ کاهش قیمت تمام‌شده با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ارتباطی دارد، یا نه؟

هدف دولت از هدفمند کردن یارانه‌ها واقعی شدن قیمت‌هاست، چرا که با هدفمند شدن یارانه‌ها و واقعی شدن قیمت‌ها اقتصاد کشور می‌تواند رقابتی شود. در چنین شرایطی تعدادی از بنگاه‌ها و بخش‌هایی از اقتصاد ما دچار تنش خواهند شد و برای به حداقل رساندن این تنش و اینکه بنگاه‌ها شرایط و مزیت مناسبی برای ادامه کار پیدا کنند، بناچار باید دنبال کاهش اتلاف‌ها برویم و روی دیگر کاهش قیمت تمام‌شده، نهضت کاهش اتلاف‌ها در اقتصاد ملی، هم در سطح کلان و هم در سطح خرد، است. در بخش کشاورزی، صنعت و توزیع دچار اتلاف‌های سهمگین و چالش‌های زیادی هستیم که قیمت تمام‌شده کالا و خدمات را بالا برده است. حتی می‌خواهم بگویم در سطح سیاست‌های کلان اقتصادی ناهماهنگی‌هایی وجود دارد که قیمت تمام‌شده کالا و خدمات را افزایش می‌دهد و درون بنگاه‌ها هم، با ناکارآمدی‌های ساختاری، مدیریتی، تکنولوژیکی و فرهنگی روبه‌رو هستیم. بسیاری از بنگاه‌ها از ضعف نیروی توانمند و متخصص رنج می‌برند و بهره‌وری نیروی کار ما در بنگاه‌ها وضعیت مناسبی ندارد. اگر بخواهیم به استقبال هدفمند کردن یارانه‌ها برویم، باید متغیرهای اقتصادی که روی قیمت و کیفیت محصولات تولیدی بنگاه‌ها اثر می‌گذارد، مورد بررسی قرار گیرد و آنها را مدیریت کنیم. حتی اگر ابلاغ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را در نظر بگیریم، چاره‌ای جز تن دادن به الزامات نهضت کاهش قیمت تمام‌شده نداریم و باید بنگاه‌ها کارآمدتر و بهره‌ورتر شوند. اگر هم بخواهیم شعار اصلاح الگوی مصرف را، هم در سطح خرد و هم در سطح کلان، پیگیری کنیم، گریزی از اینکه به سمت شکار اتلاف‌ها برویم، نداریم و بهترین راه برای اصلاح الگوی مصرف، شکار اتلاف‌ها خواهد بود.

■ در اجرا و تدوین راهکارهای کاهش هزینه‌های تولید کالا و خدمات چه مراحل را پشت سر گذاشتید؟

اولین اقدامی که باید صورت می‌گرفت تا شعار کاهش قیمت تمام‌شده به نهضت تبدیل شود، این بود که کمیته‌ای با حضور نمایندگان منتخب دولتی و بخش

خصوصی تشکیل شود. این کمیته بر اساس مصوبه کمیسیون اقتصادی دولت تشکیل شد و نمایندگانی از همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مسئول و البته مشارکت جدی فعالان بخش خصوصی و نمایندگان منتخب اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن به کار ادامه دادند. این کمیته ۲۵ نفره با رویکرد بهبود فضای کسب‌وکار و توسعه فضای رقابتی، فرآیند تأمین، تولید، توزیع، حمل‌ونقل و صادرات را به عنوان پنج حلقه در زنجیره کلان اقتصاد برای کاهش قیمت تمام‌شده کالا و خدمات هدف قرار داد و بعد از برگزاری نشست‌های طولانی با کارشناسان مختلف به ۱۳۰ راهکار رسید و تکالیف دستگاه‌های مسئول و همکار هم احصاء شد و تقسیم کار انجام شد. به طور مثال، در ایجاد پنجره واحد تجاری، وزارت بازرگانی مسئولیت دارد و در صدور مجوز برای بانک‌های خارجی مسئولیت با بانک مرکزی است و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط به عنوان همکار شناخته می‌شوند.

■ آیا این ۱۳۰ راهکار مصوب و نهایی شده است؟
بسته سیاستی کاهش قیمت تمام‌شده در کمیته تخصصی قیمت جمع‌بندی و نهایی شد و به کمیسیون اقتصادی دولت رفت و در نشست اخیر کمیسیون اقتصادی دولت مقرر شد، چون بررسی و اجرای این راهکارها نیاز به زمان بیشتری دارد، این راهکارها دوباره سطح‌بندی شود و اولویت‌ها مشخص شود و پس از یک ماه این بسته سیاستی به کمیسیون اقتصادی دولت ارسال شود.

■ سطح‌بندی راهکارهای ۱۳۰گانه چگونه خواهد بود؟

برخی از این راهکارها درون‌دستگاهی است و در یک وزارتخانه و یا دستگاه اجرایی قابل اجراست و نیازی به مصوبه دولت و یا مجلس ندارد و با هماهنگی سیاست‌ها، قابل اجراست. دسته دوم راهکارها نیاز به مصوبه دولت و تأمین منابع دارد که باید مراحل خودش را سپری کند و این دسته از راهکارها هم نیاز به تخصیص بودجه دارد و هم همکاری بین بخشی را می‌طلبد و باید حدود و ثغور وظایف و اختیارات هر یک از دستگاه‌ها مشخص شود. دسته سوم، حتماً نیاز به مصوبه قانونی مجلس و اصلاح قوانین و مقررات دارد، مثل اصلاح قانون کار که هزینه‌های زیادی در قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات دارد و همگان نسبت به ناکارآمدی این قانون اذعان دارند و باید در مجلس اصلاح شود. یا مسئله ساماندهی تعطیلات رسمی کشور به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر قیمت تمام‌شده باید از طریق مجلس صورت گیرد و اتفاقاً بخش خصوصی در این زمینه بیشتر دنبال سامان دادن به تعطیلات است.

■ این راهکارها تا چه اندازه به سیاست‌های کلان اقتصادی، نظیر سیاست‌های پولی، مالی و تجاری برمی‌گردد و جغرافیای ترسیم شده برای کاهش هزینه‌های تولید چه میزان اصلاح قوانین عادی را شامل می‌شود و تا چه اندازه به اصلاح سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی دولت؟ به بیان دیگر، عمده‌ترین چالشی که فعالان اقتصادی با آن مواجه هستند و قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات را بالا می‌برد، چیست؟

تمام تلاش ما در فرآیند نهضت کاهش قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات این است که سعی نکنیم واقعیت‌های اقتصادی کشور را، چه از نظر دولت و چه از نظر بخش خصوصی، پنهان کنیم و یا اینکه بخواهیم مشکلات بخش‌های مختلف را نادیده بگیریم. حتی می‌خواهم بگویم در تعامل خوبی که با بخش خصوصی داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که بخش خصوصی بیشترین

اعتماد را به این برنامه و نهضت نشان داد و سعی کردیم اشکالاتی را که در ساختار سیاست‌های کلان اقتصادی وجود دارد، احصاء کنیم و اگر فضای کسب‌وکار در حوزه سیاست‌های پولی، ارزی و بانکی و بیمه‌ای و مالیاتی و گمرک و نظایر آن اشکالی دارد، باید به سمت حل این مشکلات برویم و دولت به دنبال اصلاح این موارد است و در طرح تحول اقتصادی هم، همین رویکرد حاکم است. از سوی دیگر، بخش خصوصی هم قبول دارد که در بنگاه‌های اقتصادی به دلایل مختلف ناکارآمدی وجود دارد که باید برطرف شود.

■ شاید در طول ۳۱ سال اخیر، برای نخستین بار است که از نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح کلان استفاده می‌شود و اتفاقاً بخش خصوصی هم جدی‌تر وارد شده که این رویکرد قابل تحسین است. اما دغدغه اصلی این است که آیا درون دولت و دستگاه‌های دولتی انسجام و اتفاق نظر بر سر کاهش هزینه‌های تولید وجود دارد، یا خیر؟ آیا این تضمین وجود دارد که آسیب‌های گذشته که دستگاه‌های دولتی مشکلات اقتصادی را در مواردی به یکدیگر پاس می‌دادند، تکرار نشود و خود را پشت این دیوارها پنهان نکنند؟ آیا دستگاه‌های اجرایی در مقام اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های ترسیم‌شده پشت همدیگر را خالی نخواهند کرد و مسئولیت‌پذیر باقی می‌مانند؟

این یک سؤال کلیدی است و ما در فرآیند بررسی راهکارهای کاهش قیمت تمام‌شده کالاها دو تجربه خوب را شاهد بودیم و امیدوارم در اجرا هم این مسئله تحقق پیدا کند. تجربه شیرین اول این بود که با بخش خصوصی، به‌رغم ذهنیت منفی‌ای که از ابتدا وجود داشت، به تعامل بسیار خوبی رسیدیم. یاد هست در روزهای اول که به عنوان نماینده وزارت بازرگانی این مسئله را در اتاق‌های بازرگانی مطرح کردم، خیلی از اعضای اتاق حرف‌ها و انتقادهای تند را مطرح کردند و حتی عنوان می‌کردند که دوباره می‌خواهید سیاست‌های گذشته و بگیر و ببند و تعزیرات و بازرسی را برگردانید و در همان ابتدا دچار چالش زیادی بودیم، اما در ادامه کار در اثر یک تعامل بسیار مثبت، به نقطه‌ای رسیدیم که انصافاً باید بگویم اتاق بازرگانی از وزارت بازرگانی جلوتر است. اینکه ذهنیت منفی ابتدایی به رابطه و تعامل مثبت تبدیل شد، تجربه شیرینی است. اتفاق دیگر در کمیته تخصصی دولت رخ داد که با حضور نمایندگان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی برگزار شد و ما دنبال این بودیم که فضای بحث را باز کنیم که چرا نهضت کاهش قیمت تمام‌شده مهم است؟ در همان جلسه نمایندگان بسیاری از دستگاه‌های اجرایی عنوان می‌کردند وزارت بازرگانی اصلاً چه کاره است که می‌خواهد این بحث را عنوان کند؟

■ یعنی از همان ابتدا درون دستگاه‌های اجرایی و بین نمایندگان دولتی ذهنیت منفی وجود داشت؟ بله! نمایندگان بخش کشاورزی اعتقاد داشتند، خودشان نسبت به مسئولیت‌شان واقفند، یا وزارت صنایع و معادن خود را متولی تولید صنعتی می‌دانست و در بخش حمل‌ونقل و سایر حوزه‌ها این ذهنیت وجود داشت. اصلاً ذهنیت غالب این بود که ما دستگاه مستقلی هستیم که می‌توانیم مشکلات حوزه تخصصی خودمان را برطرف کنیم و ذهنیت منفی قوی هم وجود داشت که چرا شما به عنوان وزارت بازرگانی در حوزه وظایف دیگر وزارتخانه‌ها وارد شده‌اید و دخالت می‌کنید و حتی مسئله جدی‌تر این بود که بسیاری از نمایندگان دستگاه‌های اجرایی می‌گفتند ما به بهترین شکل ممکن داریم کار می‌کنیم و به وظایف‌مان عمل می‌کنیم و بهتر

از این و بیشتر از این نمی‌شود هزینه‌ها را کاهش داد و حتی برخی دستگاه‌های دولتی می‌گفتند باید دنبال ارتقای کیفیت باشیم و دیگر نمی‌توان روی کاهش قیمت فکر کرد. این چالش و ذهنیت در همان ابتدا وجود داشت، اما در نتیجه تعامل مستمر با تمامی دستگاه‌ها به یک مفاهمه خوب رسیدیم که مسئله کاهش قیمت تمام‌شده، یک دغدغه ملی است و اگر چه وزارت بازرگانی این مسئله را مطرح کرده، باید قبول کنیم دغدغه ملی است و درد مشترک. سرانجام به اینجا رسیدیم که رفع دغدغه و درد مشترک، همکاری مشترک می‌طلبد و شاید هر دستگاه دولتی اعتقاد داشته باشد، کار خودش را بخوبی انجام می‌دهد، اما برآیند و نتیجه اقدامات همه لزوماً مطلوب نیست و باید دور هم بنشینیم و بهینه‌سازی اقدامات را به طور جدی و عملیاتی دنبال کنیم.

■ یعنی با این رویکرد وزارت بازرگانی به جای نگرش بخشی‌گرایانه، دنبال ایجاد نگرش فرابخشی برای حل مسائل مختلف در فرآیند کاهش هزینه تولید و ارائه خدمات بود؟

درست است، چرا که وزارت بازرگانی به عنوان ویتترین و پیشخوان اقتصاد ایران توانست به جایگاهی برسد که بتواند به صورت فرابخشی عمل کند. نتیجه تلاش همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های متولی تولید، نظیر وزارت صنایع و معادن و کشاورزی و حتی برآیند سیاست‌های کلان وزارت اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی در ترسیم راهبردهای مالی و پولی و حتی وزارت نفت به عنوان پشتیبان اقتصاد ملی این است که کالا با قیمت مناسب و کیفیت مطلوب به دست مصرف‌کننده برسد. اما متولی این مسئله که کالا با وضعیت مطلوب، کیفیت و قیمت مناسب در زمان مناسب به دست مصرف‌کننده برسد، وزارت بازرگانی است و از این رو، ما اعتقاد داریم، ویتترین اقتصاد کشور وزارت بازرگانی است و به طور طبیعی اگر وزارت بازرگانی بخواهد این نقش را خوب ایفا کند، باید حلقه‌های فرآیند تولید و عرضه کالا و خدمات به وظایف خودشان عمل کنند و وزارت بازرگانی از این منظر نمی‌تواند نسبت به فرآیند تولید و شرایط حاکم بر آن بی‌توجه باشد.

■ اشاره کردید، وزارت بازرگانی به عنوان ویتترین اقتصاد ایران مطرح است و طبیعی است که مردم و افکار عمومی این انتظار را داشته باشند که وقتی تغییر قیمتی یا کیفیتی در بازار هر کالایی رخ می‌دهد، وزارت بازرگانی پاسخگو باشد و خیلی از وزارتخانه‌های دیگر در تیررس این انتقادهای رسانه‌ای و مردم قرار ندارند؛ از همین منظر، می‌خواهم به مسئله دیگری بپردازم که این روزها خیلی مورد توجه و در کانون انتقادات از وزارت بازرگانی قرار دارد، آن هم بحث واردات کالاها. کار به جایی رسیده که تلقی عمومی این است که تمامی واردات به دستور شخص وزیر بازرگانی انجام می‌شود و دیگر وزارتخانه‌ها طرفدار تولید داخلی هستند. غرض از طرح این بحث آسیب‌شناسی نظام واردات ایران است. اینکه اصلاً چرا واردات صورت می‌گیرد و چگونه اجازه واردات به کشور صادر می‌شود و تا چه اندازه می‌توانیم با ابزار تعرفه، واردات را مدیریت کنیم؟ بسیاری اعتقاد دارند در بحث کاهش قیمت تمام‌شده، واردات گسترده کالا باعث آسیب دیدن تولید داخل و کاهش ظرفیت تولید داخلی و افزایش هزینه‌های تولید می‌شود.

ابتدا باید قبول کنیم ذهنیتی که در بین مردم و افکار عمومی شکل گرفته، برخاسته از تلقی نادرست از

فرآیند چرایی و چگونگی واردات است. ابتدا باید به این پرسش پاسخ داده شود که چرا واردات صورت می‌گیرد و واردات در چه فرآیندی و چگونه رخ می‌دهد. پاسخ دقیق و روشن به این دو سؤال باعث می‌شود نقش و اثر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های دیگر هم در امر واردات روشن و شفاف شود و اگر اشکالی در واردات برخی از کالاها وجود دارد، به دستگاه ذی‌ربط، اعم از دستگاه‌های متولی تولید یا دستگاه‌های متولی سیاست‌های کلان، هشدار و تذکر داده شود. می‌خواهم بگویم اگر ما به دنبال تعادل در بازار و اتکالی بیشتر به تولید داخلی هستیم، باید حتماً تولید داخلی را رقابتی کنیم، چرا که اگر تولید رقابتی نباشد، مصرف‌کننده کالا حقوقی دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اگر مصرف‌کننده داخلی از تولید یک محصول یا کالای داخلی رضایت داشته باشد، می‌توانیم به طور نسبی امیدوار باشیم مصرف‌کننده خارجی هم از کالای ایرانی رضایت داشته باشد. اینجاست که نگاه تولیدمحور بودن وزارت بازرگانی توأم با رقابت‌پذیری کالاها مفهوم پیدا می‌کند و اگر وزارت بازرگانی شعار کاهش قیمت تمام‌شده کالاها را مطرح می‌کند و قبل از آن بر ضرورت ارتقای بهره‌وری تولید ملی تأکید می‌شد، زمانی این سیاست و این برنامه توجیه‌پذیر و معطوف به نتیجه خواهد بود که علاقهای و تمایلی برای واردات در بازار داخلی وجود نداشته باشد. اصلاً چه دلیلی داشت که وزارت بازرگانی مسئله کاهش هزینه تولید را مطرح کند؟ بگذارید بصراحت بگویم، دغدغه و حساسیت وزارت بازرگانی نسبت به رقابت‌پذیری کالاهای داخلی و اینکه کالای خارجی براحتی بازار داخلی را مورد حمله قرار ندهند، اگر نگویم بیشتر از سایر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌هاست، قطعاً کمتر هم نبوده است.

■ اما نگفتید چرا واردات صورت می‌گیرد و چگونه؟ واردات زمانی اتفاق می‌افتد که در برخی از کالاها اصلاً تولید داخلی نداریم و طبیعی است که وقتی به یک کالایی در کشور نیاز داریم، اما آن کالا تولید نمی‌شود، واردات توجیه‌پذیر می‌شود. دسته دوم از کالاهای وارداتی زمانی رخ می‌دهد که آن کالاها در داخل کشور تولید می‌شود، اما میزان تولید کافی نیست و پاسخگوی نیازها نیست و در یک فضا و اقتصاد باز، تقاضا برای کالا در شرایط کمبود با واردات جبران می‌شود. دسته سوم از کالاهای وارداتی زمانی رخ می‌دهد که ما شاهد اختلاف قیمتی هستیم، یا قیمت و کیفیت کالای داخلی با کالای خارجی تفاوت فاحش دارد. این هم یک منشأ واردات است. گاه می‌بینید قیمت یک کالای ایرانی ۱۰۰ واحد است، اما کالای مشابه خارجی با همان کیفیت و با حتی کیفیت بهتر با وجود تحمیل هزینه‌های حمل‌ونقل، گمرک و نظایر آن بین ۷۰ تا ۸۰ واحد تمام می‌شود، در این شرایط ما شاهد واردات این کالا هستیم.

■ اعتقاد دارید که بالا بردن تعرفه‌ها جواب نمی‌دهد؟

به هر میزان که تعرفه‌ها را بالا ببرید، آن هم به صورت غیر منطقی، قاچاق کالا توجیه‌پذیر و تشدید خواهد شد و ما در این زمینه تجربه‌های گوناگون داریم که در صورت تشدید قاچاق نه تنها دولت نفعی نمی‌برد و از دریافت حقوق ورودی کالاها محروم می‌شود، بلکه شاهد شکل‌گیری یک بازار غیررسمی کالاها قاچاق خواهیم بود. باز هم تأکید می‌کنم اینکه ما شاهد تفاوت کیفی و قیمتی کالای داخلی و خارجی هستیم، باز هم به همان موضوع اصلی بحث، یعنی نهضت کاهش هزینه‌های تولید، می‌رسیم و این مسئله باید به صورت ریشه‌ای حل شود.

■ شفاف‌تر توضیح می‌دهید؟

اجازه دهید مثالی بزنم. ما سیاستی داریم تحت عنوان سیاست ارزی. من اصلاً کاری ندارم که قیمت ارز پایین است، یا بالا، اما می‌خواهم شفاف بگویم که سیاست ارزی ما به واردات کمک می‌کند و واردات را تشویق می‌کند. حال سؤال این است که آیا سیاست‌های ارزی در اختیار وزارت بازرگانی است؟

■ اتفاقاً منشأ اختلاف‌ها همینجاست. می‌خواهم بگویم ما به جای سیاست کنترل واردات، باید به دنبال مدیریت واردات باشیم، چرا که سیاست کنترل واردات، از طریق ابزارهای تعرفه‌ای یا محدودیت‌های فیزیکی در نقاط مرزی، به تشدید قاچاق و ایجاد هزینه‌های بیشتر منجر می‌شود، اما بر اساس منطق مدیریت واردات ما می‌توانیم سیاست‌های کلان اقتصادی را به گونه‌ای طراحی کنیم که واردات غیر ضرور و بی‌کیفیت توجیه اقتصادی نداشته باشد. اجازه دهید شفاف‌تر بگویم، وزارت بازرگانی باید به دنبال افزایش نرخ ارز باشد. چرا وزارت بازرگانی در این موارد از خودش سلب مسئولیت نمی‌کند و اجازه می‌دهد کلاف سر در گم واردات پیچیده‌تر شود و بقیه دستگاه‌ها خودشان را پشت وزارت بازرگانی پنهان کنند؟

ارز یک نهاده در اقتصاد است و نرخ آن متأثر از (و) تأثیرگذار بر) سایر متغیرهای اقتصادی است. یکی از این متغیرها نرخ تورم است، یکی دیگر از متغیرها اشتغال است، یکی دیگر صادرات است، یکی دیگر واردات است و... اگر ما به دنبال تدوین سیاست ارزی درستی هستیم، باید همه متغیرهای اقتصادی را با هم و به صورتی یکپارچه ببینیم و اثرات متقابل این متغیرها را با هم و با نرخ ارز تحلیل کنیم و سیاست منطقی نرخ ارز را تدوین و عملیاتی کنیم. از طرف دیگر، در مورد سیاست‌های تعرفه‌ای نیز کمیسیون ماده یک باید رویکرد هوشمندانه‌ای اتخاذ کند و دستگاه‌ها و نهادهای متولی واردات وظایف و مسئولیت‌های خود را به صورتی مناسب انجام دهند. با توجه به اینکه در کمیسیون ماده یک مقررات واردات و صادرات، میزان تعرفه کالاها تعیین می‌شود و ۹ دستگاه برای سیاست‌های تعرفه‌ای در این کمیسیون نقش‌آفرینی می‌کنند، ضروری است، طبق قانون، در مورد مدیریت هوشمند واردات هم دقت لازم را داشته باشند و وظایف و تکالیف قانونی خود را انجام دهند. وزارت بازرگانی هم به عنوان یکی از اعضا که مسئولیت هماهنگی و مدیریت کمیسیون را دارد و فرآیند اداری و تشریفات قانونی واردات را دنبال می‌کند، بتواند بر اساس دیدگاه‌های اعضا وظایف خود را به صورت مناسب انجام دهد.

اگر چه در کشور ما از سیاست تعرفه‌ای در حد بسیار زیاد استفاده شده و ایران در بین ۱۷۰ کشور رتبه چهارم را در بالا بودن نرخ تعرفه دارد و طبیعتاً در صورت افزایش بیشتر نرخ تعرفه قاچاق نیز توجیه‌پذیری بیشتری پیدا خواهد و در این شرایط هم حقوق دولت و هم حقوق مردم به لحاظ ورود کالاها بدون کیفیت و استاندارد تضییع خواهد شد.

■ حتی برخی گزارش‌های تأیید نشده حکایت از آن دارد که در یک سال بیش از ۱۹ میلیارد دلار کالای قاچاق به کشور وارد شده یا از کشور صادر شده است.

بگذارید به یک نکته دیگر اشاره کنم. درست است که میانگین تعرفه‌های ایران بالاست، اما نرخ مؤثر تعرفه در کشور ما طی دو، سه سال اخیر به ۱۱ درصد رسیده است، یعنی کالاهایی که تعرفه آنها بالا باشد، به صورت غیررسمی و قاچاق وارد می‌شود و ما شاهد انواع کالای قاچاق در سطح بازار هستیم. از سوی دیگر واردات مواد



فکر می‌کنم اصلاح نرخ ارز و افزایش تدریجی نرخ ارز، اثرات مثبت‌تری نسبت به افزایش تعرفه‌ها خواهد داشت، چرا که اصلاح نرخ ارز باعث رقابت‌پذیر شدن صنعت و تولید می‌شود، اما اگر دست‌کاری تعرفه‌ها باعث محدود شدن رقابت‌پذیری شود، قاچاق را تشدید می‌کند.

فکر می‌کنید به جای بازی کردن با تعرفه‌ها و بلندتر شدن دیوار تعرفه‌ها اگر نرخ ارز را بتدریج افزایش دهیم، مانع جدی در برابر واردات ارزان و بی‌کیفیت ایجاد خواهد شد؟

اصلاح نرخ ارز و افزایش تدریجی آن، اثرات مثبت‌تری نسبت به افزایش تعرفه‌ها خواهد داشت، چرا که اصلاح نرخ ارز باعث رقابت‌پذیر شدن صنعت و تولید می‌شود، اما دست‌کاری تعرفه‌ها باعث محدود شدن رقابت‌پذیری می‌شود و قاچاق را تشدید می‌کند. البته تعیین نرخ ارز ملاحظات خاص خود را دارد.

یکی از چالش‌های عمده پیش روی وزارت بازرگانی، تنظیم بازار داخلی است و البته تنظیم بازار، بدون وجود کالای کافی نمی‌شود و وقتی شاهد کمبود کالا در داخل هستیم و اتلاف‌های زیادی در چرخه اقتصاد کشور رخ می‌دهد، چاره این است که برای پاسخ به نیاز مصرف‌کننده و جلوگیری از کمبود کالا بخشی از نیاز داخلی از خارج وارد شود. وقتی از نگاه مصرف‌کننده به مسئله می‌نگریم، این پرسش مطرح می‌شود که اگر واردات محصولات کشاورزی بی‌رویه است، با وجود ادعای واردات بی‌رویه، قیمت محصولات کشاورزی برای مصرف‌کننده بالاست و اگر این واردات صورت نگیرد، طبیعتاً قیمت باز هم افزایش خواهد یافت. اینجاست که تعادل و توازن بین حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده به هم می‌خورد و ما ناچار می‌شویم سازمان‌های نظارتی و کنترلی دولتی، نظیر سازمان بازرسی و تعزیرات را ایجاد کنیم، در حالی که در دنیا سازمان‌های حمایت از بازار و مصرف‌کننده، نهادهای غیردولتی هستند و اثر فوق‌العاده‌ای بر بازار دارند. این تناقض و عدم تعادل را چگونه می‌شود برطرف کرد؟

این بحث درستی است و وقتی ما با آسیب‌هایی در بازار و تولید مواجه می‌شویم و در حوزه‌های مختلف با اتلاف‌های زیاد مواجهیم و ناکارآمدی وجود دارد، باید به دنبال ریشه‌های این ناکارآمدی و عدم تعادل برویم. این ریشه‌ها به سیاست‌های اقتصادی دولت‌های مختلف برمی‌گردد و ریشه برخی ناکارآمدی‌ها در حوزه بخش خصوصی است. معتمد اگر یک بازمهندسی در ارتباط با نقش دولت و بخش خصوصی در اقتصاد بر اساس چارچوب و مدل سیاست‌های اصل ۴۴ صورت گیرد، می‌توانیم به اجماع و نتیجه خوبی برسیم و اگر قرار است دولت در جایی وارد نشود و دخالتی در بازار

اولیه که از تعرفه پایین‌تری برخوردار است، از مبادی رسمی کشور وارد می‌شود و اتفاقاً دولت هم حقوق ورودی این‌گونه کالاها را دریافت می‌کند. پس باید مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌ها در یک بسته جامع پیش‌بینی شود که نه تنها قاچاق کالا توجیه نداشته باشد، بلکه مدیریت واردات را به ارمغان آورد.

فرایند واردات در کشور ما چگونه است؟

درست است که به اشتباه اسم وزارت بازرگانی با واردات گره خورده، اما اگر نگاه سیستماتیک و عمیق به فرایند واردات داشته باشیم، می‌بینیم بیش از ۳۰ دستگاه و نهاد تخصصی درباره واردات کالاهای مختلف شرایط تعیین می‌کنند، الزامات را مشخص می‌کنند، مجوز واردات صادر می‌کنند و یا وظیفه کنترل و ترخیص کالاهای وارداتی را دارند که می‌توانند در بخش‌های مختلف فرایند واردات ورود پیدا کنند و اعمال مدیریت کنند. از بین حدود ۶۹۰۰ ردیف تعرفه‌ای ورود کالاهای بیش از نیمی از ردیف‌ها منوط به مجوز یا گواهی دستگاه‌های تخصصی، مثل کشاورزی و بهداشت است. در مورد سایر ردیف‌ها باید ضوابط عام ورود کالا به کشور رعایت شود. اگر چه در مورد همین دسته از کالاها هم در صورت اعلام نظر دستگاه‌های تخصصی امکان تعیین ضوابط خاص وجود دارد و می‌توان به لحاظ شرایط ورود سخت‌گیری بیشتری اعمال کرد. به عبارت روشن‌تر، یعنی هیچ کالایی نمی‌تواند در بازار پیدا کند، مگر اینکه یک نهاد یا دستگاه تخصصی اجازه ورود این کالا را داده باشد، یا ضابطه مشخصی برای آن اعمال کرده باشد. البته ورود غیررسمی کالا که کم هم نیست، در این چارچوب قرار نمی‌گیرد و باید از آن جلوگیری شود.

یکی از وزیران پیشین بازرگانی پیشنهاد کرده است برای مدیریت بهتر واردات به کشور بهتر است شورای هماهنگی تنظیم بازار و واردات تشکیل شود تا وزارت بازرگانی به عنوان مسئول ثبت سفارش ناچار نباشد در قبال هجوم واردات پاسخگو باشد. تا چه اندازه تشکیل این شورا می‌تواند باعث بهبود وضعیت و ساماندهی واردات و مسئولیت‌پذیری همه دستگاه‌ها شود؟

هر چند این رویکرد، رویکرد خوبی است که بتوانیم شورای هماهنگی داشته باشیم که سیاست‌گذاری کلان در حوزه واردات را سامان دهد، این یک فرایند زمان‌بر است و هماهنگ کردن دستگاه‌های مختلف دشوار خواهد بود. معتمد اگر چه بند ۳۳ قانون برنامه چهارم اجازه جلوگیری از واردات را نداده است و مجلس می‌تواند در این خصوص تمهید بهتری اتخاذ کند، همین قوانین و مقررات و چارچوب موجود هم به دستگاه‌های تخصصی اجازه اعمال ملاحظات فنی را داده و امکان جلوگیری از واردات با دلایل فنی امکان‌پذیر است. فقط باید این احساس مسئولیت در دستگاه‌های تخصصی بیشتر شود و طبق مقررات به وظایف خود عمل کنند، در این صورت، مشکلی به نام واردات و آسیب به تولید داخلی را شاهد نخواهیم بود.

اشکال از کجاست؟

همه کالاها باید متولی مشخص داشته باشند تا در مورد ورود آنها اعلام نظر کند. از طرف دیگر، در مورد برخی از کالاهایی که متولی مشخص دارد، دستگاه‌ها در مورد ورود آنها شرایطی را وضع نکرده‌اند که باید این اتفاق رخ دهد. از طرف دیگر استانداردهای ما استانداردهای کافی و به‌روز نیست، مثل اتفاقی که درباره برنج رخ داد. اگر استانداردها کامل و کافی و به‌روز بود، مشکلی به نام برنج‌های آلوده مطرح نمی‌شد. بنابراین استانداردهای کالاها باید گسترش یابد و به‌روز شود.

نداشته باشد، این مسئله رعایت شود و جایی که برای بخش خصوصی در نظر گرفته شده، بخش خصوصی به طور جدی وارد شود و مدیریت کار را در دست بگیرد و مسئولیت قبول کند. همان طور که اشاره کردید، ما نهادهای غیردولتی حمایت از حقوق مصرف‌کننده در کشور نداریم و این مسئولیت به دولت واگذار شده است. چه بسا اگر در کشور نهادهای غیردولتی حمایت از مصرف‌کننده داشتیم، بازار داخلی با کارآمدی بیشتری مواجه می‌شد، زیرا نهادهای نظارتی و حامی حقوق مصرف‌کننده غیردولتی به‌راحتی می‌تواند با تولیدکننده کالای معیوب برخورد کند. اما چون این نهاد وجود ندارد، این مسئولیت به دوش دولت است.

البته در سال‌های اخیر وزارت بازرگانی تلاش کرده است نظارت بر بازار را به اصناف واگذار کند و خود وزارت بازرگانی نه در واردات مستقیم کالا نقش دارد و نه تمایلی به دخالت مستقیم در بازار دارد. طبیعی است که در دوران گذار تنش‌ها و چالش‌های زیادی وجود خواهد داشت. آیا فکر نمی‌کنید وزارت بازرگانی به جای پرداختن به مباحث تئوری و نهادینه‌سازی الزامات واگذاری مسئولیت‌ها به بخش خصوصی، باید جدی‌تر و عملیاتی‌تر وارد عرصه شود؟

بگذارید اعتقاد و نظر کارشناسی خود را شفاف اعلام کنم. وقتی ما قانونی تحت عنوان قانون سیاست‌های اصل ۴۴ داریم و مقام معظم رهبری شیوه اداره اقتصاد کشور را تعیین و ابلاغ کردند، همه ما در تمامی بخش‌های دولتی و خصوصی باید این مدل را بپذیریم و الزامات آن را فراهم کنیم. پرسش اینجاست که با این الگو و این سیاست‌ها و این قانون، باز هم وزارت



در انتظار امضاء

● رضا کربلایی

و یا اینکه ۳۰۰ آبدارچی در وزارتخانه مشغول به کارند، تکلیف کاملاً مشخص است. حتی فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، نظیر اینترنت هم کمتر توانسته است از دالان‌های اداری کم کند و این مسئله نشان از یک دشواری تازه در نظم بازار و اقتصاد ایران دارد و آن اینکه نظام اداری حاکم بر اقتصاد و بازار ایران هنوز هم برخاسته از دوران دولت‌های همه‌کاره است و گویا ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و سایر سیاست‌های کلان نظام در مورد امور اداری و مدیریت بهینه کشور آن گونه که بایسته و شایسته است، جاری و ساری نشده است. اینجاست که حلقه‌های گمشده توسعه و بهبود فضای کسب‌وکار در نتیجه نظام ناکارآمد اداری نمایان می‌شود و چاره این است که نظم تازه‌ای افکنده شود تا تنگناهای اداری اثرگذار بر قیمت تمام شده کالاها و خدمات رفع شود و اثرات کمی و کیفی در انتظار امضاء ماندن مردم و فعالان اقتصادی سنجدیده شود و اثر صدور هر امضاء ارزیابی گردد و البته تأثیر مثبت و منفی هر سخن و اظهار نظر بر گستره بازار مورد مذاقه قرار گیرد. بی‌تردید اگر بخواهیم هزینه‌ها را کم کنیم، باید دریابیم امضاءها تا چه اندازه اثرگذارند. اقتصاد ایران تا اندازه زیادی گرفتار امضاءست؛ چه در صف امضاء شدن یا در جست‌وجوی راهی برای کاستن از هزینه‌های امضاءهای منفی. اقتصاد به امضاءهای طلایی بر اساس منطق و عقلانیت اقتصادی نیاز دارد، وگرنه امضاءهای طلایی بدون پشتوانه کارشناسی مخرب هستند. به نظر می‌رسد اکنون که دولت محترم با محوریت وزارت بازرگانی قصد دارد تا قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات را کاهش دهد، بهتر است نسبت به آسیب‌شناسی تأخیر در امضاءها و همچنین تأثیر امضاءها و محاسبه هزینه‌های ناشی از آن بر اقتصاد و بازار اقدام و راهی برای رفع چالش‌های پیش رو اندیشه کند. ■

آیا تاکنون فکر کرده‌اید هزینه دیوان‌سالاری دیوانه‌کننده در نظام اداری ایران برای اتخاذ یک تصمیم، به نتیجه رساندن یک جلسه و امضای یک نامه و درخواست تا چه اندازه بر هزینه‌های کالاها و خدمات می‌افزاید؟ هر روز در سطح وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی جلسات زیادی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های ریز و درشت برگزار می‌شود، کارتابل مدیران در سطوح مختلف پر است از نامه‌های در انتظار امضاء، ارباب رجوع در شکل مردم عادی، فعالان اقتصادی، اعم از بازرگانان و تولیدکنندگان، منتظرند تا با دریافت چند امضاء گرهی از مشکلات آنها برطرف شود و این نظم نا منظم در دنیای پیچیده و اقتصاد و کسب‌وکار پیچیده‌تر امروزی به گونه‌ای پیش می‌رود که هزینه‌های زیادی بر اقتصاد و بازار و در سطح کلان بر کل کشور تحمیل می‌کند و تشکیل کمیته‌های مشترک و کارگروه‌ها و صدور دستورهای مختلف، نه تنها باری از دوش اقتصاد بر نمی‌دارد، بلکه بر میزان آن می‌افزاید تا آنجا که برخی نمایندگان مجلس از تبدیل شدن نهاد قانون‌گذار به ماشین تولید انبوه قانون گلایه دارند و سیل نامه‌های درخواستی به سمت وزیران اقتصادی و مدیران ارشد برای برطرف کردن مشکلات و تأمین خواسته‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود. اما روی دیگر سکه اثر امضاءها و پیامدهای تصمیم‌ها از تصویب قوانین و مقررات گرفته تا صدور بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و مجوزها بر اقتصاد ملی است که قابل تأمل و تدبیر است. درست فکر کرده‌اید که افزون بر هزینه‌های ناشی از در انتظار امضاء ماندن، هزینه‌های ناشی از صدور امضای یک قانون گرفته تا یک دستور ساده اداری چه میزان بر کند شدن یا تند شدن رشد اقتصادی ایران اثر می‌گذارد؟ وقتی یک وزیر خود می‌گوید گردش یک نامه فوری در ساختمان وزارتخانه‌اش یک هفته طول می‌کشد

بازرگانی باید نسبت به بازرسی در بازار و دخالت ادامه دهد؟ به نظر من اصلاً نیازی به حضور مستقیم وزارت بازرگانی در سطح بازرسی کالاها وجود ندارد. آیا وزارت بازرگانی باید واردکننده مستقیم کالاها را اساسی باشد؟ اصلاً این نیاز وجود ندارد. آیا ما باید خریدار گندم باشیم؟ به هیچ وجه. آیا ما باید سازمانی به عنوان سازمان حمایت از مصرف‌کننده دولتی داشته باشیم؟ اصلاً و به هیچ وجه. حرف من این است که بر اساس سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و فضای جدید اقتصاد کشور باید تک‌تک مأموریت‌ها و وظایف دولت و وزارت بازرگانی بر اساس این الگو و این سیاست‌ها مورد بازنگری و بازمهندسی قرار گیرد. البته نباید فراموش کنیم که در فرایند گذر از دوران تصدی‌گری به دوران اعمال حاکمیت با تلاطم‌ها و چالش‌هایی همراه هستیم، چرا که هنوز نهادسازی و الزامات آن فراهم نشده است. می‌خواهیم تنظیم بازار را به دست اصناف و بخش خصوصی واگذار کنیم، اما هنوز اصناف و بخش خصوصی آمادگی لازم را ندارد و ما اکنون در حال طی کردن مراحل گذار هستیم.

■ سؤال آخر این است که ما اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را در پیش داریم و به طور طبیعی بیشترین فشارها، انتقادهای و تنش‌ها به ویرترین اقتصاد ایران، یعنی وزارت بازرگانی برمی‌گردد. تا چه اندازه فکر می‌کنید وزارت بازرگانی آماده است و آیا فکر می‌کنید دستگاه‌های دولتی اجماع و اتفاق نظر را در اجرای قانون حفظ خواهند کرد و یا اینکه همه خود را پشت دیوار وزارت بازرگانی پنهان خواهند کرد؟

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اولاً باید اجرا شود و دوم اینکه همه دستگاه‌های دولتی باید آمادگی لازم را در عمل نشان دهند و به مسئولیت‌های خودشان عمل کنند و سومین نکته حفظ و تقویت اجماع ملی هم در دولت و هم بین مردم برای انجام این کار مهم و حیاتی است. اما در ارتباط با مسئولیت وزارت بازرگانی به عنوان ویرترین اقتصاد کشور، باید قبول کنیم که با واقعی شدن قیمت حامل‌های انرژی و هدفمند کردن یارانه‌ها، بازار و فضای کسب‌وکار دچار تغییراتی خواهد شد، اما برای اینکه مردم آسیب نبینند، وزارت بازرگانی بسته‌های حمایتی را در نظر گرفته است و به تصویب دولت هم رسانده است، مثل ذخیره‌سازی کالاها و استراتژیک، و بسته حمایت از صادرات غیرنفتی. در بحث ذخیره‌سازی کالاها و اساسی و استراتژیک مصوب شده است ۲ هزار میلیارد تومان کالا از محل تولید داخل و در صورت کسری از طریق واردات، در اقصی نقاط کشور ذخیره‌سازی شود تا چنانچه بازار در هر جایی و در مورد هر کالایی با کمبود مواجه شد، این کمبودها از طریق ذخایر جبران شود. البته این ذخیره‌سازی توسط میانشان بخش خصوصی، و نه دولتی، صورت می‌گیرد و وزارت بازرگانی در فرایند خرید و ذخیره‌سازی دخالت مستقیم و تصدی ندارد و تنها مدیریت ذخیره‌سازی کالاها را بر عهده دارد تا کالاها ذخیره شده زمانی به بازار عرضه شود که شرایط غیرطبیعی در بازار رخ دهد، اما قطعاً در شرایط طبیعی و معمولی کالای ذخیره شده وارد بازار نخواهد شد. بنابراین وقتی این کالاها وارد بازار می‌شود که قیمت‌ها ناگهان جهش غیرطبیعی داشته باشد و به دلیل کمبود کالا مردم دچار آسیب شوند و هدف این است که جلو شوک روانی در بازار گرفته شود. ■